



دکتر فردید بحران‌های پیدا و پنهان عصر را بهتر می‌شناخت

رئیس مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با بیان اینکه فردید جزو نخستین کسانی است که فلسفه جدید غربی را به متعاطیان وطنی فلسفه معرفی می‌کند...

رئیس مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با بیان اینکه فردید جزو نخستین کسانی است که فلسفه جدید غربی را به متعاطیان وطنی فلسفه معرفی می‌کند، گفت: ویژگی فردید و آنچه او را حقیقتاً از سایر اندیشمندان ایرانی متمایز می‌ساخت، این بود که او در افق معاصرت می‌اندیشید؛ بر بنیاد همین تجربه بود که بحران‌های پیدا و پنهان عصر را بهتر می‌شناخت.

به گزارش خبرنگار مهر، همزمان با بیستمین سالروز درگذشت فیلسوف و متفکر فقید دکتر سیداحمد فردید، دست اندرکاران بنیاد حکمی و فلسفی دکتر فردید و مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران طی نشست خبری، عصر امروز شنبه 25 مردادماه ضمن تجلیل از مقام حکمی آن سعید فقید، از خدمات علمی و مقام حکمی دکتر مختار علیزاده معاون پژوهشی فرهنگستان هنر تقدیر کردند.

در این نشست دکتر بهروز فرنو، دکتر رضا سلیمان حشمت، مختار علیزاده، محمد رجبی و تعدادی از شاگردان و علاقه مندان به سید احمد فردید حضور داشتند.

دکتر فرنو در ابتدای این نشست گفت: بیست سال گذشت. بیست سال از درگذشت فیلسوف و متفکر فقید دکتر سیداحمد فردید گذشت. اکنون بیست سالی است که واضع تعبیر غربزدگی رخ در نقاب کشیده و به سرای باقی شتافته است. اکنون بیش از نیم قرن است که از طرح مسئله غربزدگی گذشته است. مسئله ای که برای اولین بار با پرسش حکمی از کمند و ماهیت تفکر جدید عالم، در سرزمین ما طرح شد. پرسشی که به اذعان خود پرسنده زودتر از وقت نارنجی خود در جامعه منورالفکر و روشنفکر ایران زمین مطرح شده بود.

وی افزود: چنانچه باید و شاید مورد توجه عمیق واقع نشد. اکنون زمان این تأمل است که پس از گذشت پنجاه سال از طرح غربزدگی پس از نیم قرن و بعد از 35 سالی که از انقلاب اسلامی گذشته است آیا زمان آن نرسیده است که به غرب و غربزدگی از نظره عمیق حکمی توجه شود و این مسئله مورد تأمل ماهوی قرار گیرد. آیا غربزدگی صرفاً تقلید ممالک پیشرو از عادات و اطوار و راه و رسم زندگی مغرب زمین است. آیا غربزدگی به تعبیر دکتر فردید هبوط دوباره انسان است؟ در عالم خودبنیادی و فروافتادن آدمی در پس موضوعیت نفسانی و تفرعون مضاعف در عصر جدید، اگر این تعبیر درست باشد پس نخست خود ساکنان مغرب زمین هستند که غربزده شده اند به غربزدگی خودبنیاد جدید.

رئیس بنیاد حکمی و فلسفی فردید ادامه داد: در اینجا غربزدگی به معنای فلک زدگی در عصر آخرالزمان است. مکر لیل و نهار در آخر الزمان نفسانیت مضاعف است که خوشبختانه باید گفت آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر ببايد ساخت و ز نو آدمی

فرنو تصریح کرد: مبانی فکری 2500 ساله غرب که در 500 سال تفکر لائیک و سکولار جدید و تمامیت رسیده اکنون در بحران و تزلزل است و از علائم این بحران وقوع انقلاب اسلامی در ایران و مجاهدات حق طلبانه در اقصی نقاط عالم به خصوص جنبش مقاومت در لبنان و فلسطین است. اکنون نه تنها گنبد آهنی دنیاطلبان و سنگدلان در تل آوویو، ترک برداشته است بلکه حجاب آخرالزمانی غربزدگی که همچون گنبدی سربی ای از تفرعون خودبنیاد و موضوعیت نفسانی بر گوش و چشم و جانهای کشیده شده بود نزد استاد فردید از فریاد الله اکبر به تزلزل و ترک برداشته است.

وی یادآور شد: اکنون صهیونیسم بین الملل همچون دجال آخرالزمانی در بوقهای شیطانی خود می دمد که تنها دموکراسی انسانی آخرالزمانی در منطقه اسرائیل است. بی شک سلطنت الوهیا به معنی استاد فردید و آزادی شیطانی نفس اماره و تفرعون در رژیم اشغالگر قدس به تمامیت رسیده است. آزادی مستکبران و جلادان و اختناق و شکنجه و کشتار برای مومنان و مستضعفان. دموکراسی و آزادی و کشتار و جنایت آزادی شکنجه و محاصره این تمامیت جامعه باز و نفسانی بی در و پیکر در رژیم اشغالگر قدس است. اینجاست که هم سخن با حافظ لسان الغیب می گوئیم آدمی در عالم خاکی نمی آید بدست عالم دیگر ببايد ساخت و ز نو آدمی.

همچنین سیدمجید کمالی رئیس مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفت: بزرگداشت فردید، پاسداشت مقام تفکر است. دکتر سید احمد فردید در مقام تفسیر وضع کنونی عالم، با توجه و ارجاع متاملانه به مآثر خودی، طریقی از تفکر را گشود که به واسطه آن، برای نخستین بار، اندیشه ایرانی توانست موضعی پرسشگر، به‌خود بگیرد و شأن و موقعیت خود را در عالم جدید به بررسی بنشیند. با فردید، اندیشه ایرانی، گام برداشتن در وادی جدید و ناملموس جریان‌های فکری غربی را می‌آزماید؛ زبان فارسی نیز از این رهگذر، امکان‌های خود را برای بیان صور جدید اندیشه که کمتر با فلسفه سنتی سنخیت داشت، بهتر می‌شناسد.

وی افزود: واقعیت این است که فردید جزو نخستین کسانی است که فلسفه جدید غربی را به متعاطیان وطنی فلسفه معرفی

می‌کند. واضح است که بیان او، برکنار از فرادهدش ایرانی و سنخ تماشای او از عالم نبود. ویژگی فردید و آنچه او را حقیقتاً از سایر اندیشمندان ایرانی متمایز می‌ساخت، این بود که او در افق معاصرت می‌اندیشید؛ بر بنیاد همین تجربه بود که بحران‌های پیدا و پنهان عصر را بهتر می‌شناخت. اما پر واضح است که او در مقام یک متفکر، با مجموعه این بحران‌ها در لایه‌هایی زیرین‌تر مواجه شود. با نگاهی هرچند گذرا به تاریخ فلسفه درمی‌یابیم که اوج فلسفه فیلسوفان درست در جایی شکل گرفته است که با بحرانی جدی مواجه بوده‌اند؛ حال این بحران ممکن بود ناشی از مناقشات و تنگناهای فلسفی آن دوره خاص باشد یا برآمده از بن‌بست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران.

کمالی در ادامه سخنانش اظهارداشت: اجمالاً می‌توان گفت که فردید و به عبارت بهتر زمانه وی، وارث چندین جریان مهم فرهنگی بود. از یک سو فلسفه و کلام اسلامی به‌دنبال بسط و گسترش تاریخی خود به حالتی ایستا رسیده بود که در آن دیگر هیچ پرسشی شکل نمی‌گرفت و به تکرار مکررات می‌پرداخت؛ از سویی دیگر عرفان در لایه‌های پنهان و آشکار تاریخ اسلامی-ایرانی ما قبض و بسط می‌یافت و نیز دیرگاهی بود که تفکر فلسفی غربی خود را تحمیل می‌کرد و به همه اینها می‌توان افزود که «سیاست» و به عبارتی «سیاست‌زدگی» به‌عنوان یکی از شالوده‌های اصلی جریان روشنفکری ایران به رهنزی اندیشه متفکران وطنی می‌پرداخت. در این «لحظه» پرآشوب و بی‌بنیاد، توگویی فردید، محل تقاطع و برخورد همه این جریانات بود. او خود را متعهد پاسخگویی به این وضع می‌دید و برای انجام آن طریقی «خلاف آمد عادت» در پیش گرفت.

وی تصریح کرد: تفکر وی منجر به طرح بسیاری از مسائل فلسفی در ایران شد و بسیاری از متفکرین ما را وادار به پاسخگویی و موضع‌گیری در برابر آنها نمود. در این میان بسیاری از ایده‌ها و مفاهیمی که در ناخودآگاه ذهن ایرانی انباشته شده و هیچ‌گاه فرصت بروز و ظهور نیافته بود در مواجهه با اندیشه‌های غربی، به زبان دکتر فردید ظهور یافته و به آشکارگی در آمد. این حداقل خدمتی بود که فردید به جریان خودآگاهی تفکر ایرانی نمود.

رئیس مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری بیان کرد: گفته شد که مرحوم سید احمد فردید در افق معاصرت می‌اندیشید؛ یکی از معانی این سخن آن است که سنخ تفکر او به گونه‌ای بود که می‌توانست با عالم جدید مواجهه‌های اصیل پیدا کند و از این طریق با آن به گفت‌وگو بنشیند؛ از همین رو نه برخلاف بسیاری از روشنفکران مقهور اندیشه غربی شد و نه به مانند سنت گرایان آنچنان به تقدیس مقام تفکر سنتی و شرقی پرداخت که گویی غربی در کار نیست. او در ساحتی میانه می‌زیست و می‌اندیشید. او به‌دنبال زبانی بود که بتواند به واسطه آن، این مواجهه خود را به زبان آورد؛ چنین بود که واژگان برای او شأنی دیگر داشتند.

وی تصریح کرد: فردید در این اندیشه خود تنها بود و با وجود انبوه شنوندگانش، در حقیقت مخاطبان اندکی داشت. به بیانی دیگر، تفکر او در نسبت با دیگر اندیشمندان وطنی، تفکری نا بهنگام بود. تفکرات او هنوز هم نشنیده باقی مانده است و در اکثر موارد با سطحی نگری، نامنصفانه به نقدهایی بی‌مناط کشیده شده است. تفکر فردید را همانند هر اندیشه دیگری باید نقد کرد اما ابتدا باید آن را شنید؛ اگرچه در عصری که به سر می‌بریم، شنیدن به امری تقریباً ناممکن بدل شده است. بزرگداشت فردید، صرفاً به معنای یادکردی از او نیست بلکه به دلایل مختصری که اشاره رفت، پاسداشت مقام تفکر است.

در پایان این مراسم محمد رجبی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی و از شاگردان دکتر فردید از زحمات علمی مختار علیزاده از شاگردان دکتر فردید و معاون پژوهشی فرهنگستان هنر تجلیل کرد و لوح تقدیرهایی از طرف نهادها و سازمانهای مختلف به وی اهدا شد. علیزاده طی سخنان کوتاهی از همه حاضران تشکر کرد و گفت به علت بیماری قادر به سخن گفت طولانی نیست.